

Flowers are bait

ترجمہ و ادیت انور سسکای تقدیم میکنہ

Uploader Lian & Lala

Translator Lian

Editor Lian

Director Lian







...!!

요하



자아

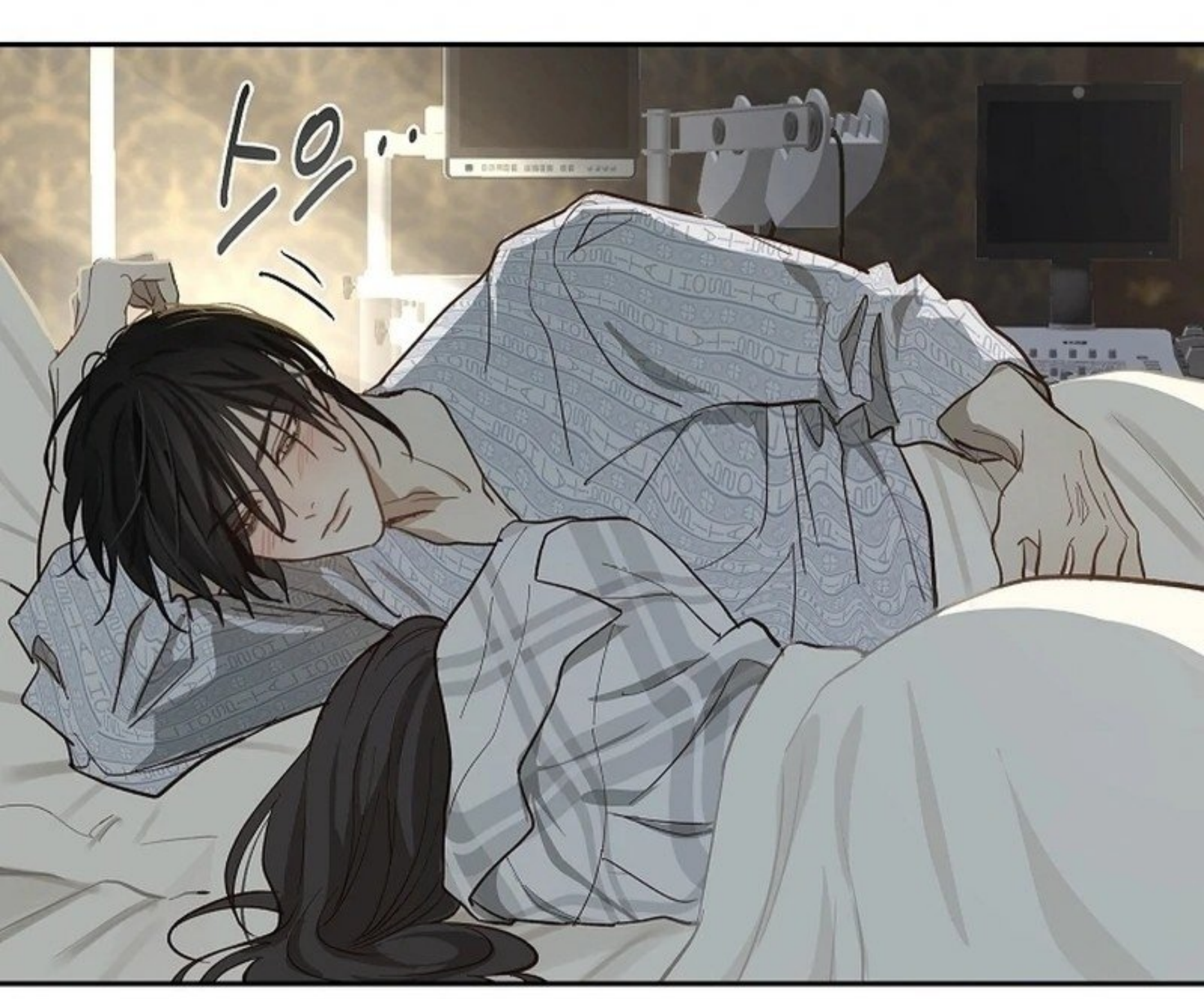
자아, 자아..

사구

사구..



.....



호



.....



..سو لی یئون.



دکتر گیها!

زن من.

این تنها صورتیه که میتونم به
خاطریارم.

تو یه
هوپی فهمیدی
همسری داری که حتی
صورتشم یادت
نمیاد.



میدونم ممکنه
خیلی پرات شو که
کننده باشه.

نه.

حتی با
یه نگاه ساده هم
میتونم بگم..

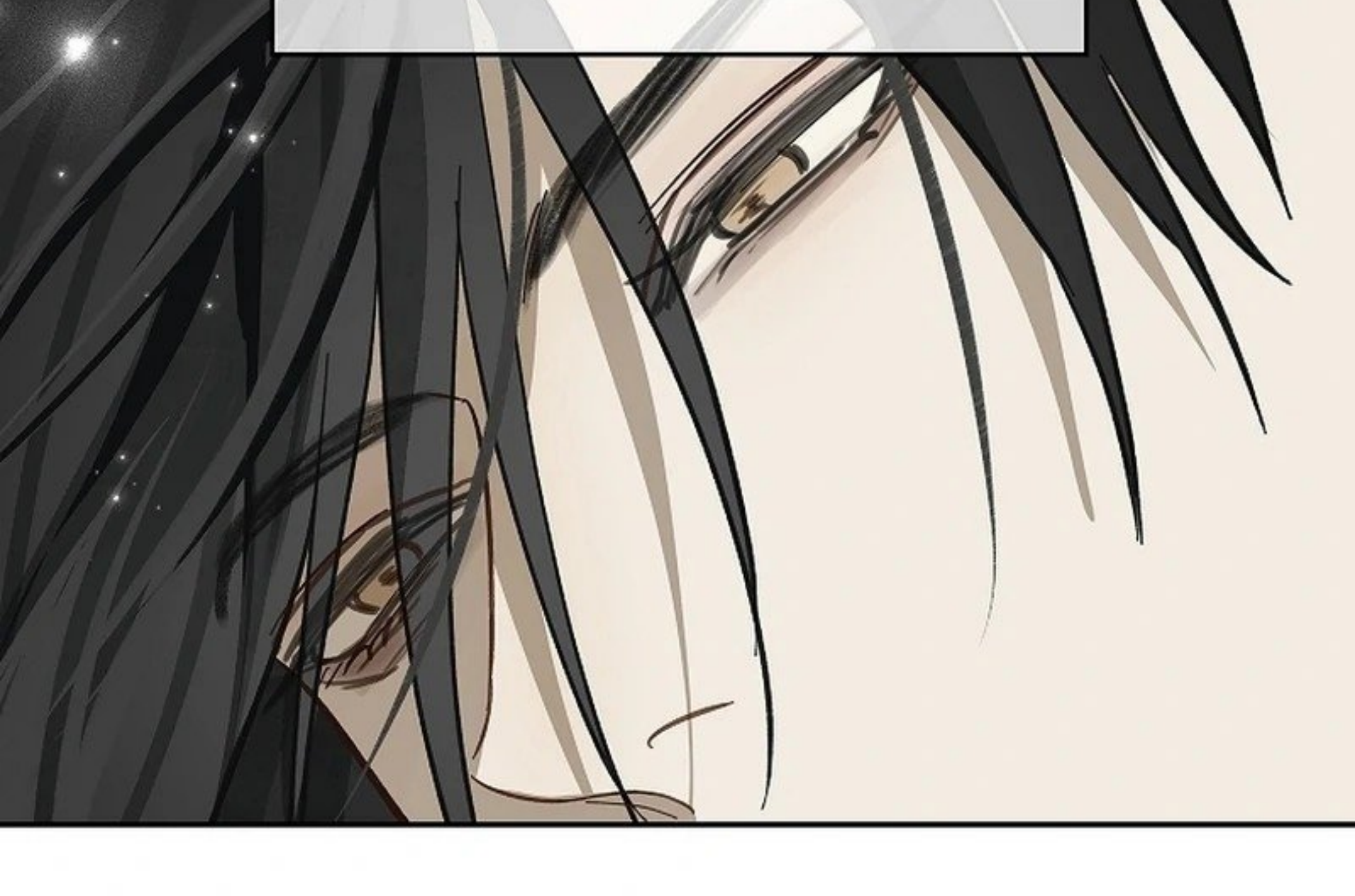


که چرا تو
همسرمی.



کاملاً مشخصه.

حتی پلک زدن رو یه اتلاف وقت
میدونم چون موقع بسته شدن
چشمام نمیتونم صورتتو ببینم.



ولی تو چرا اینطوری
بهم نگاه میکنی؟



چرا یه طوری
لبخند میزنی که
انگار توک دردرس
افتادی؟





حتی انگشت
حلقه ام خالیه.



یه دونه عکس ام
از عروسیمون توک
خونه نیست.

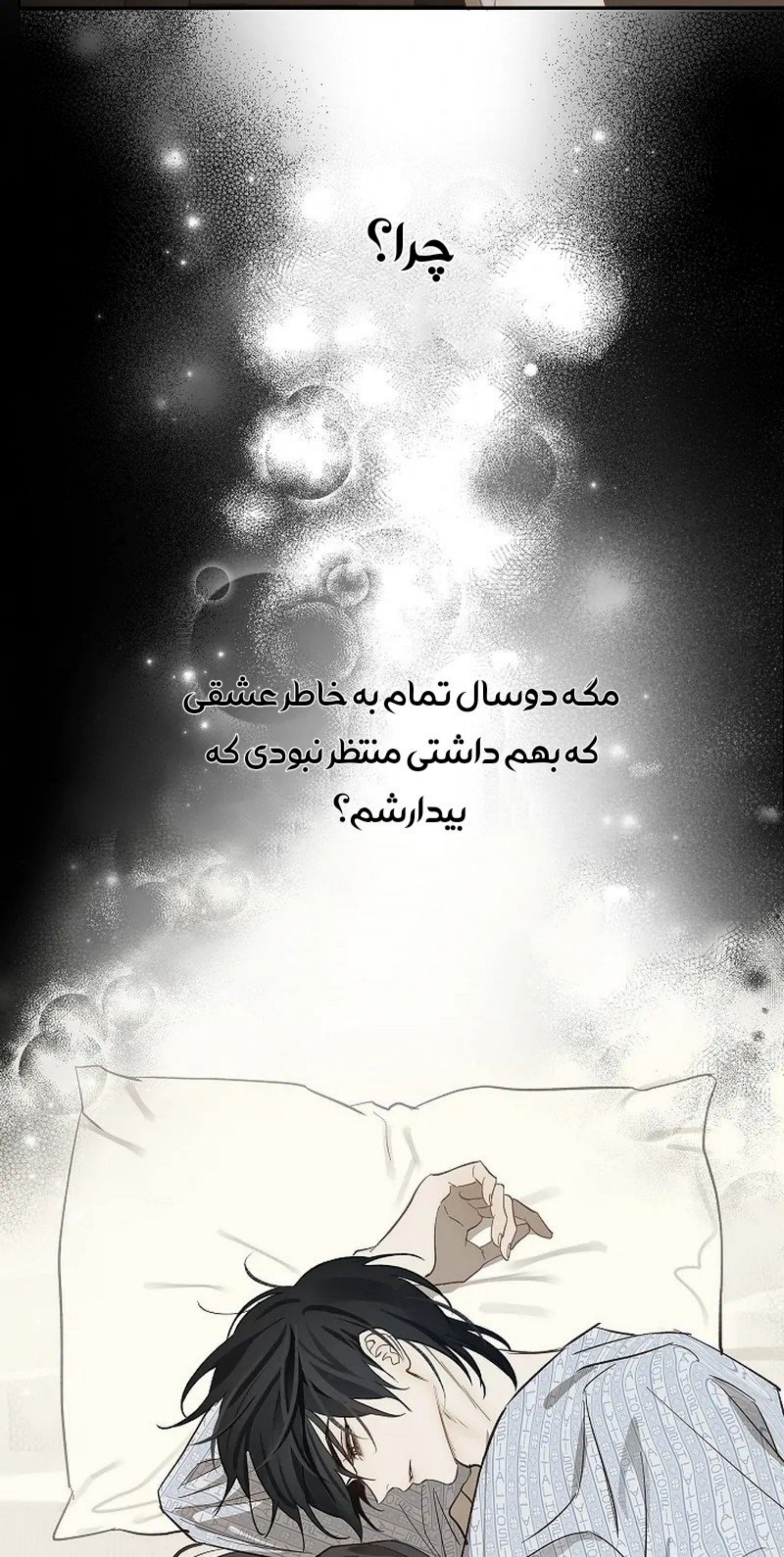


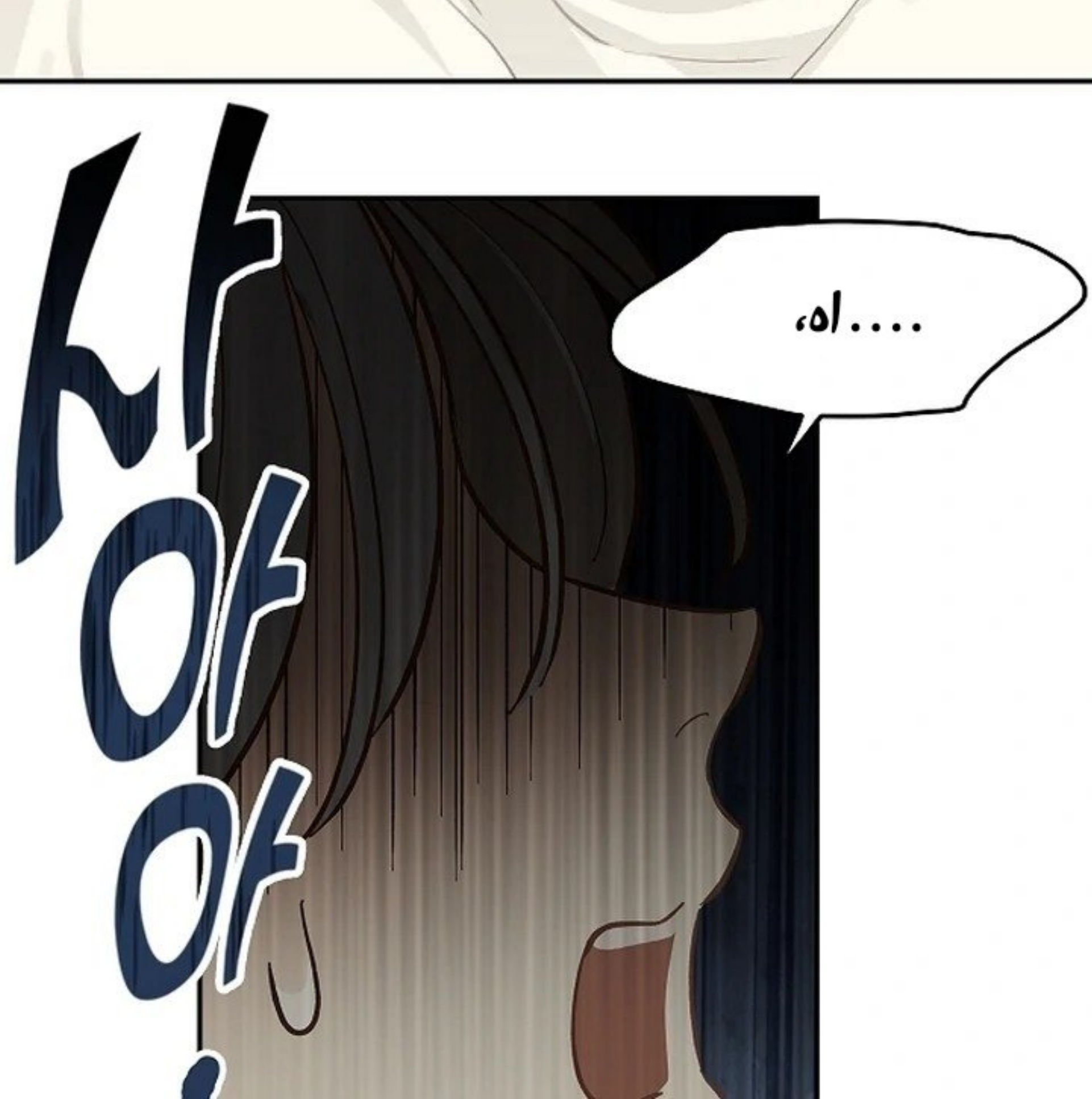
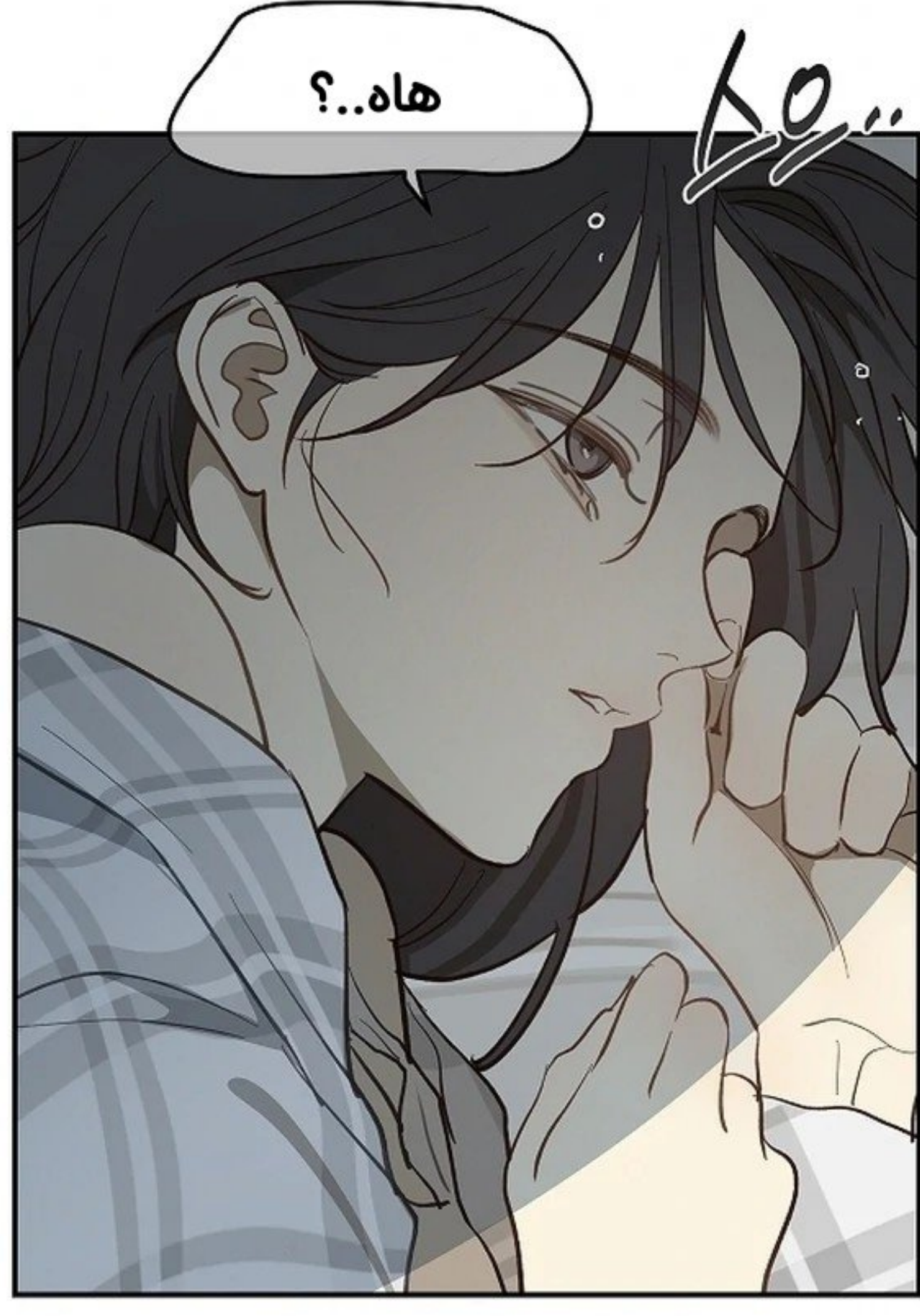
و درک که به
روم باز نکردی.



چرا؟

مگه دو سال تمام به خاطر عشقی
که بهم داشتی منتظر نبودى که
بیدارشم؟







اوه، توام بیدار
شدی.



.... مشخصه.



بدنم
حس مریض بودن
میکنه، چقدر خواب
بودم؟



با
دیشب همیشه
هشت روز.

... حالا
دیگه مطمئن
شدم.

چی؟



که حالا
حالا ها قرار نیست
بهم صبحونه بدی.



ببخشید؟

کی میدونه؟

شاید هم سرم فقط دنبال یه فرصت بود
که ازم فرار کنه.

فقط یه
حدس زدم.




ولی
خب از همون شب
اولی که باهم خوابیدم
متوجهش شدم.

پس راجب چی
نگرانم؟

الان باید
چیکار کنم؟






پس
شب به خودت
میسپارم که حلش
کنی.

اصلا دوست ندارم از
خودم دورش کنم.



بیا
از امروز شروع
کنیم یئون.

بیا خاطرات اون دیوونه روانی که
قبلا تو ذهنته رو فراموش کنیم.



مطمعنی
میخواوی این شکلی
بری؟



چشه
خب؟

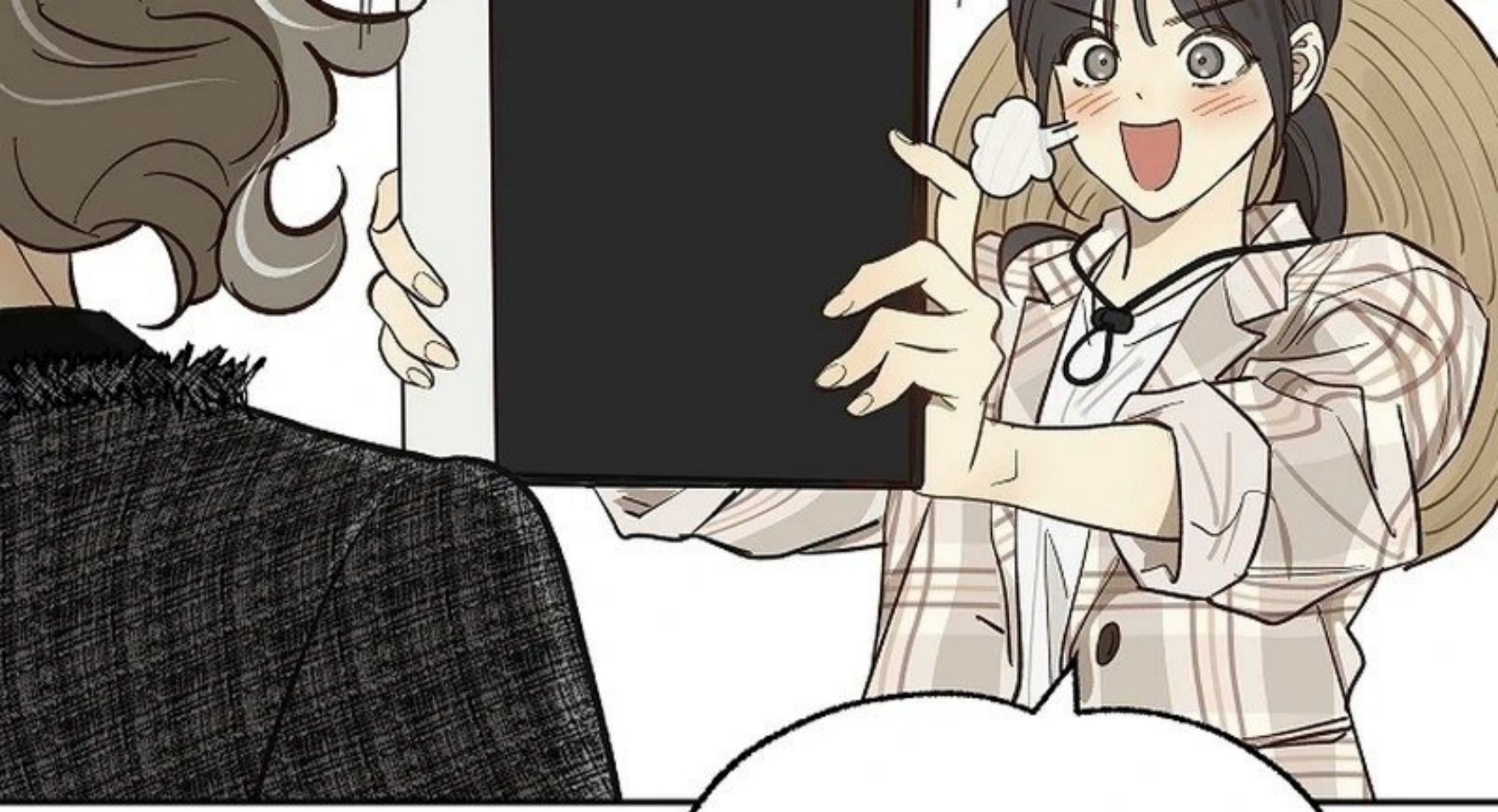


خیر سرمون
داریم به کنفرانس
باغ گیاهشناسی
میریم!

کلی ادم
اونجاست.

چه بلایی
سرغرور بیمارستان صنوبر
ما اومده...





اینم از
غورمون
...!!



درسته
که بیمارستانمون
مشتری کم داره ولی به
جاش سابقه خوبی داریم چون
تاحالا درختی رو بجروح
نگردیم!

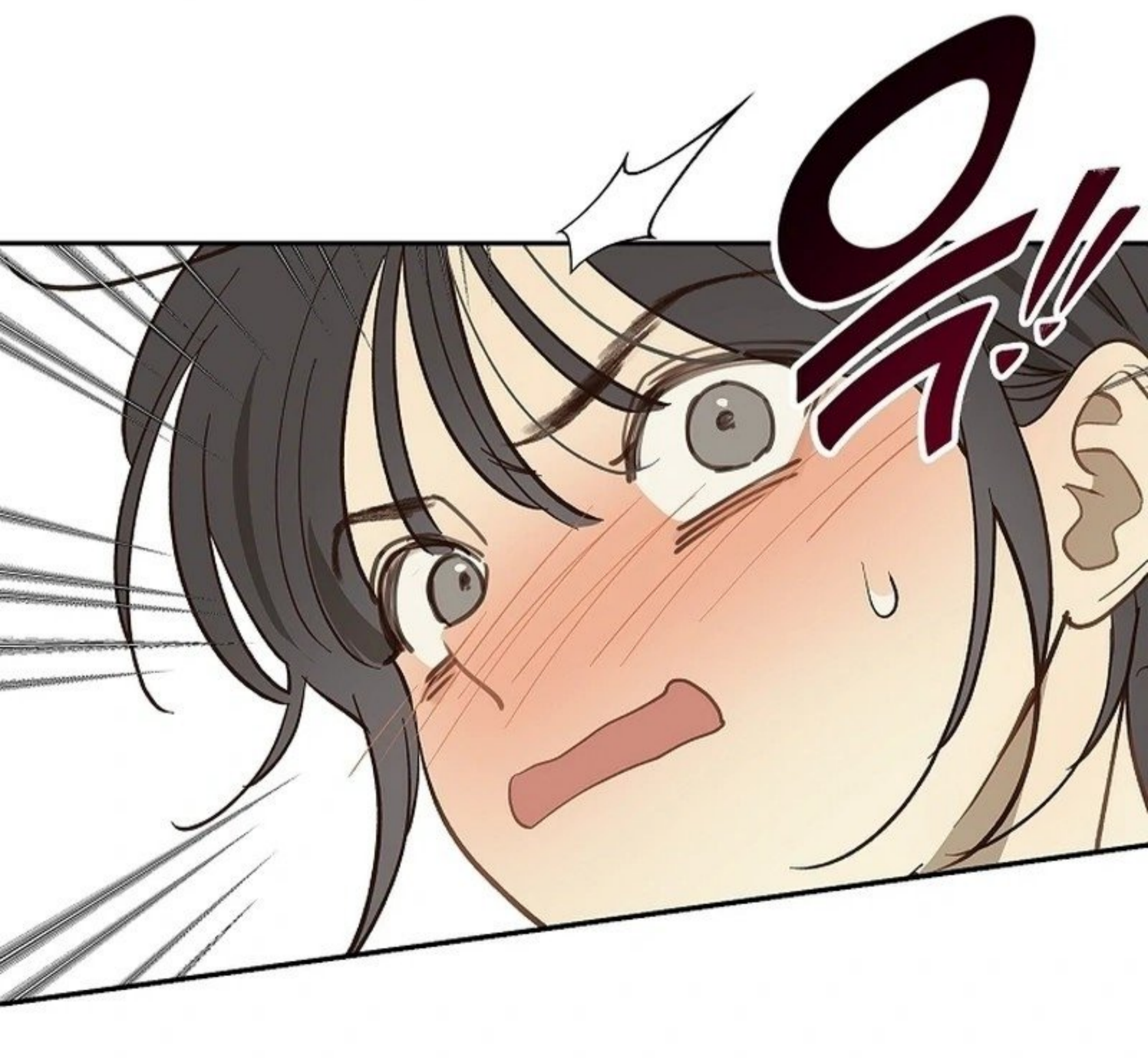
به عنوان
یه دکتر گیاهشناسی هیچ
افتخاری بالاتر از این نیست
واسما!

بله عزیزم میدونم.

ولی خب
از این به بعد این
میشه تابلوی جدید
بیمارستانمون.



چی؟



ووو!!





نه تنها
مغزشو شست شو دادم
حتی سر و وضعشم عوض
کردم!!



اولش هیچ لباسی جز لباس بیمارا
واسه پوشیدن بهش ندادم و تا جای
ممکن سعی کردم از خونه خارج
نشه ولی خب وضع الانمونو نگاه..



مطمئن نیستم که بتونم
دروغ زن و شوهر بودمونو
به بقیه توضیح بدم.

تازه اگه همش بخواد از
خونه بره بیرون ممکنه
حافظه اش برگرده!

مهم نیست
چی بشه همین الان
جلوشو میگیرم!!

کوان چانه وو،
بهتر نیست امروزو
توی خونه استراحت
کنی؟



چرا؟ نکنه
میترسی اشتباهی
ازم سر بزنه؟

اصلاً، ابراء..

خیلی خوب سر
میزنه!



پس مشکل
چییه؟

زیونم تودهنم
نمی چرخه..

باید
سریع یه پهونه
چور کنما!



...?



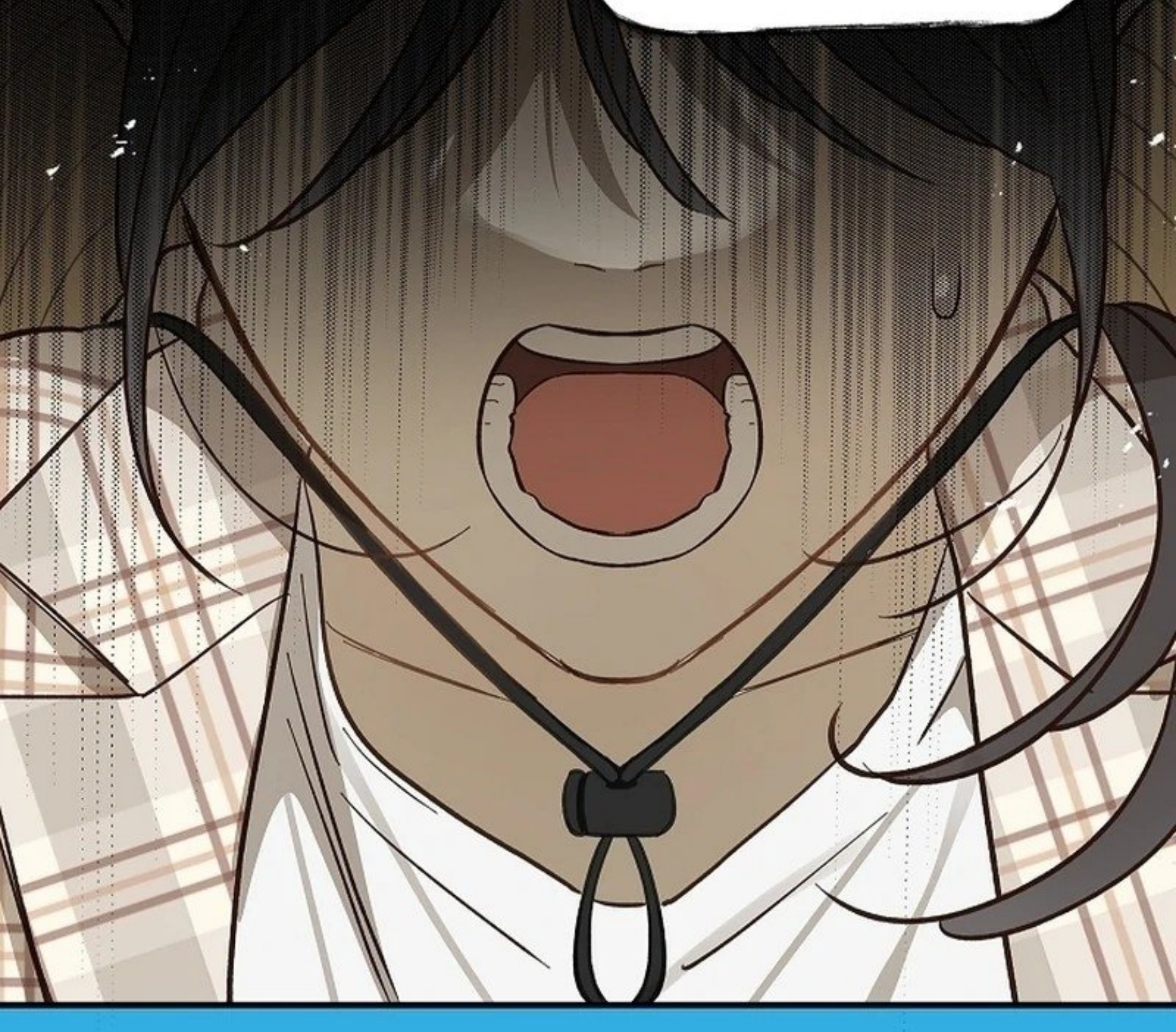


حالا مشکوک
ترم شده!!!



دهنمو
باز میکنه هرچی
ارزش اومد بیرون
میگم!!

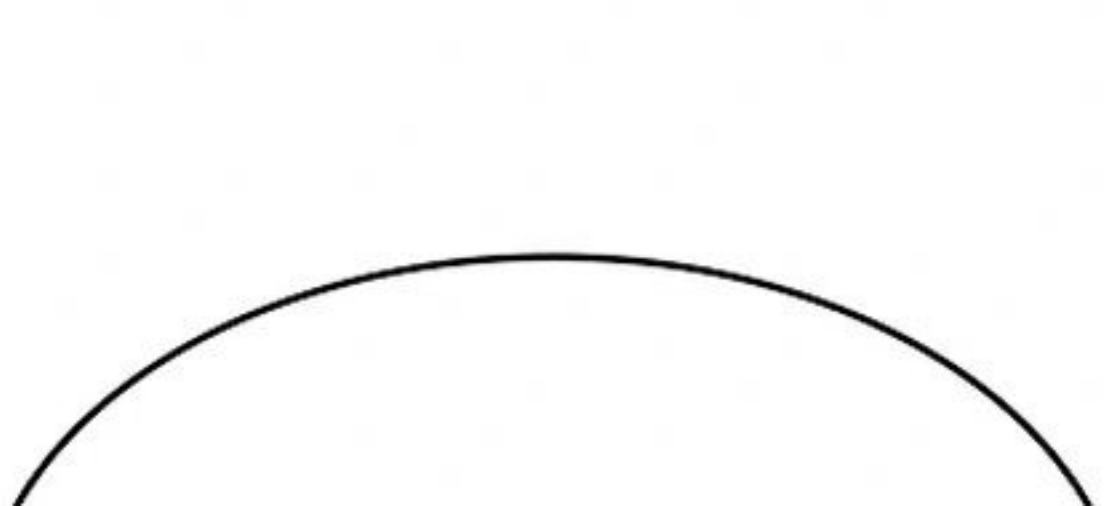
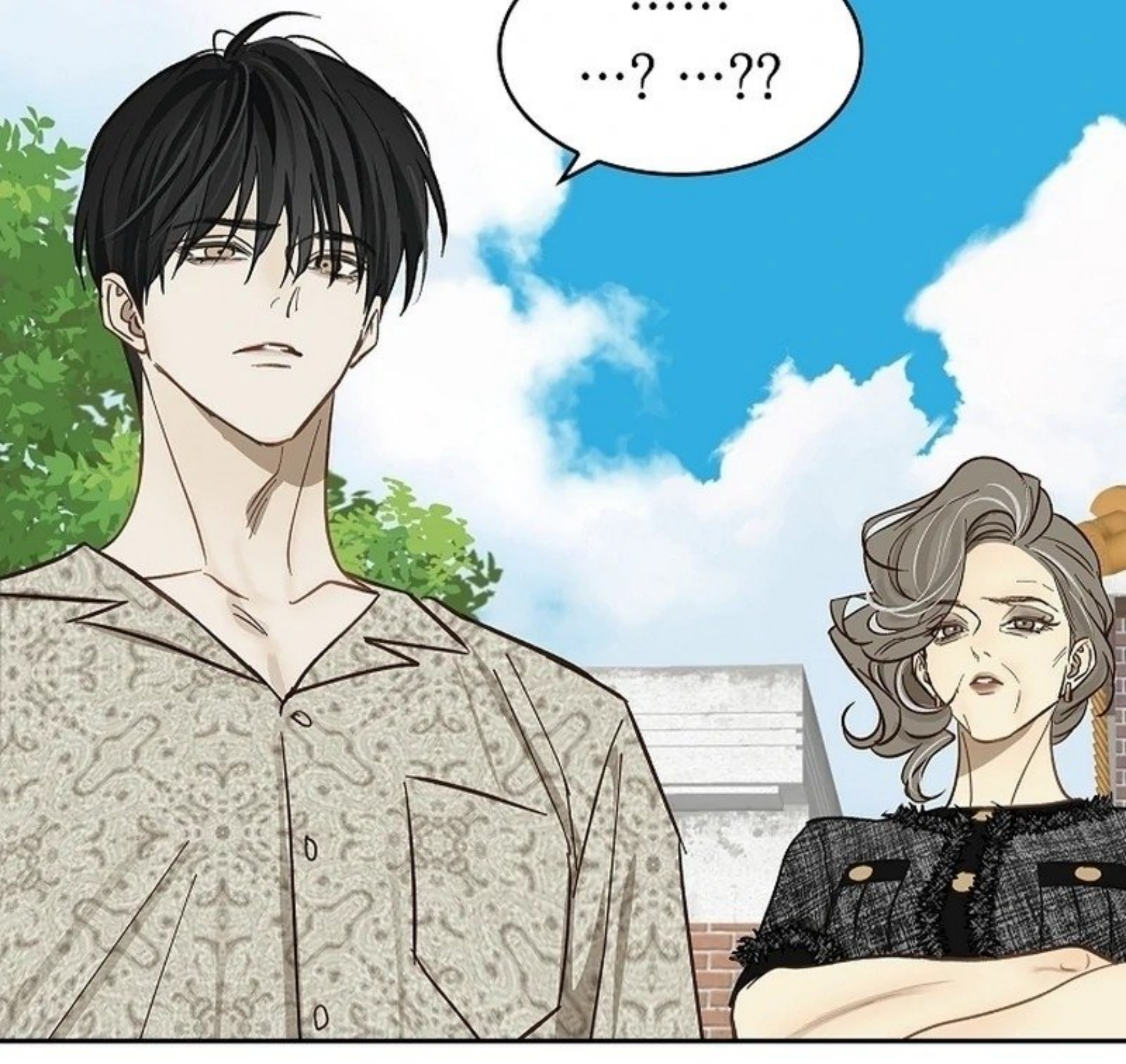
بیرون بودن..



... خطرناکه!



.....
...? ...??





مخصوصا واسه
کوان چائه وو.

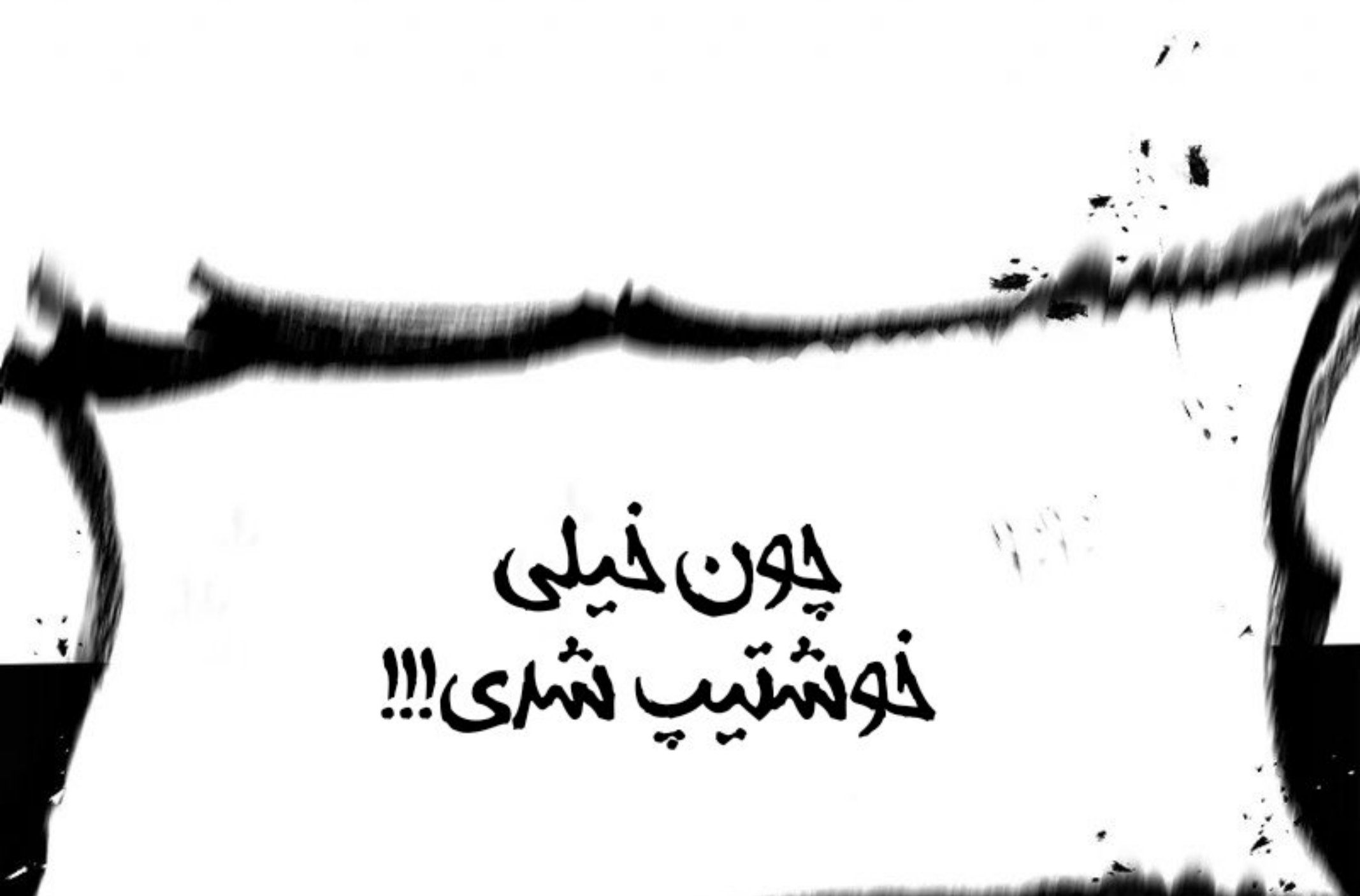
چرا اونوقت؟



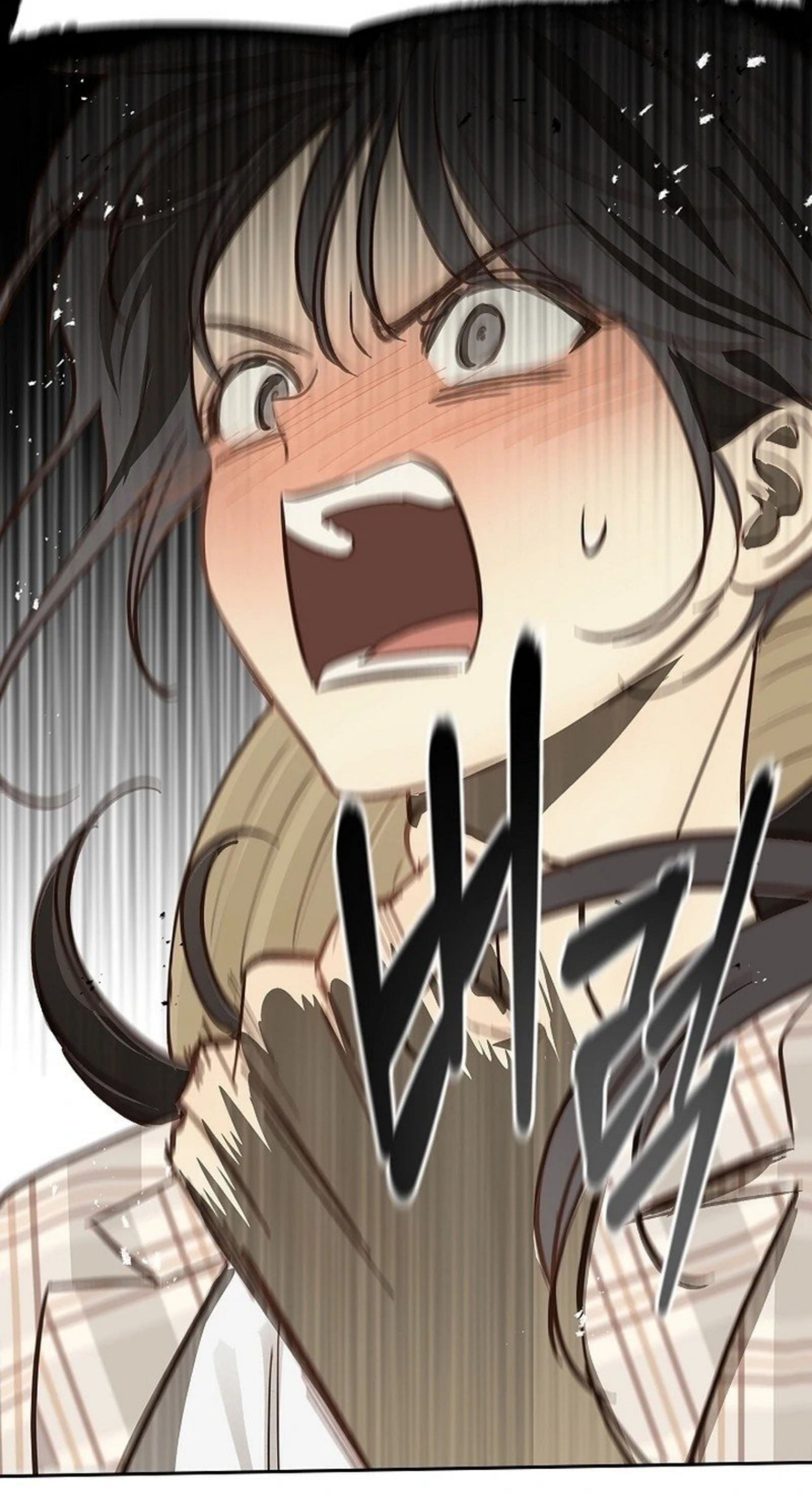
...چون...
خیلی خوشتیپی!!



الان چی
گفت.



چون خیلی
خوشتیپی تری!!!



اگه بری
اونجا فقط یه مشت
پرمرد میبینی!

تو اصلا نمیرونی
اون پیرمردا ممکنه
پقرار بهت لاسودی
کنن!!

اصلا!!

.....

هوک..

هوک..

هوک..

ها..

چرا ساکت
شدن؟



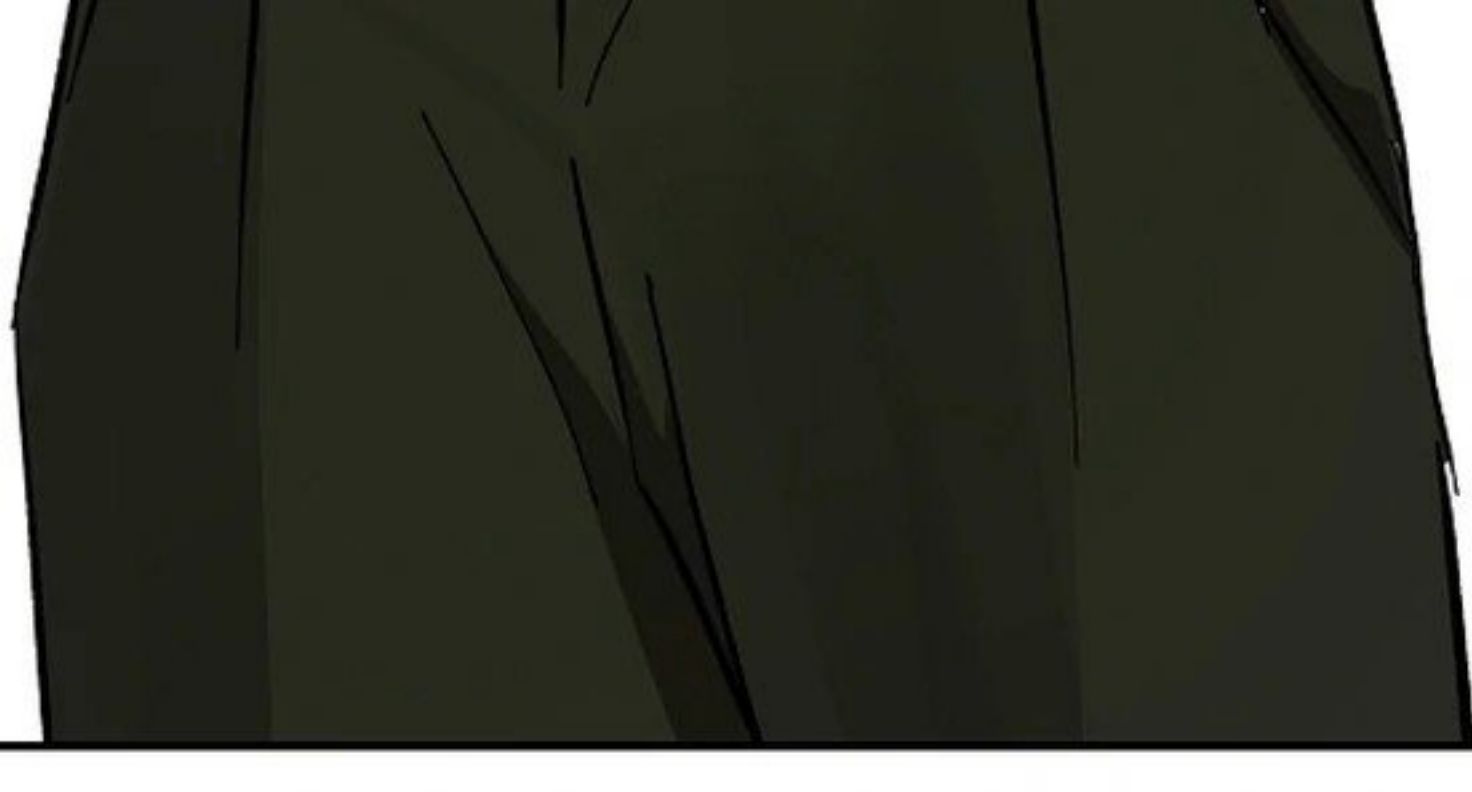
نکنه
پیاز داغشو زیاد
کردم؟



پس که
اینطور..

چون خیلی
خوشتیپم میخوای
منو از چشم بقیه
قایم کنی؟





واقعا تو
چشمای یئون اینقد
خوشگلم؟



اه،
اخره،
خب..

어빠어빠
어빠..

اره.



پس فقط
میخوام کوان چانه وو
خونه بمونه.



چون
فقط خودت میخوای
خوشگلیامو ببینی؟

~~~~~

دیگه  
واقعا نمیتونم ادامش  
بدم!!

ولی  
حالا که تا اینجا پیش  
رفتم دیگه نمیتونم  
جا بزنم!!



واقعا  
دارم زیاده روی  
میکنم!!

خب مانتازه  
ازدواج کردیم...

به خاطر  
تصادف نتوانستیم  
مدت زیادی رو باهم  
بگذرونیم.

23일차

پس  
معلومه که تموم  
خوشگلیاتو فقط واسه  
خودم میخوام...

حالا که  
اینطوره یئون ام نمیتونه  
بره بیرون.

جانم؟



نگران نباش..

...!



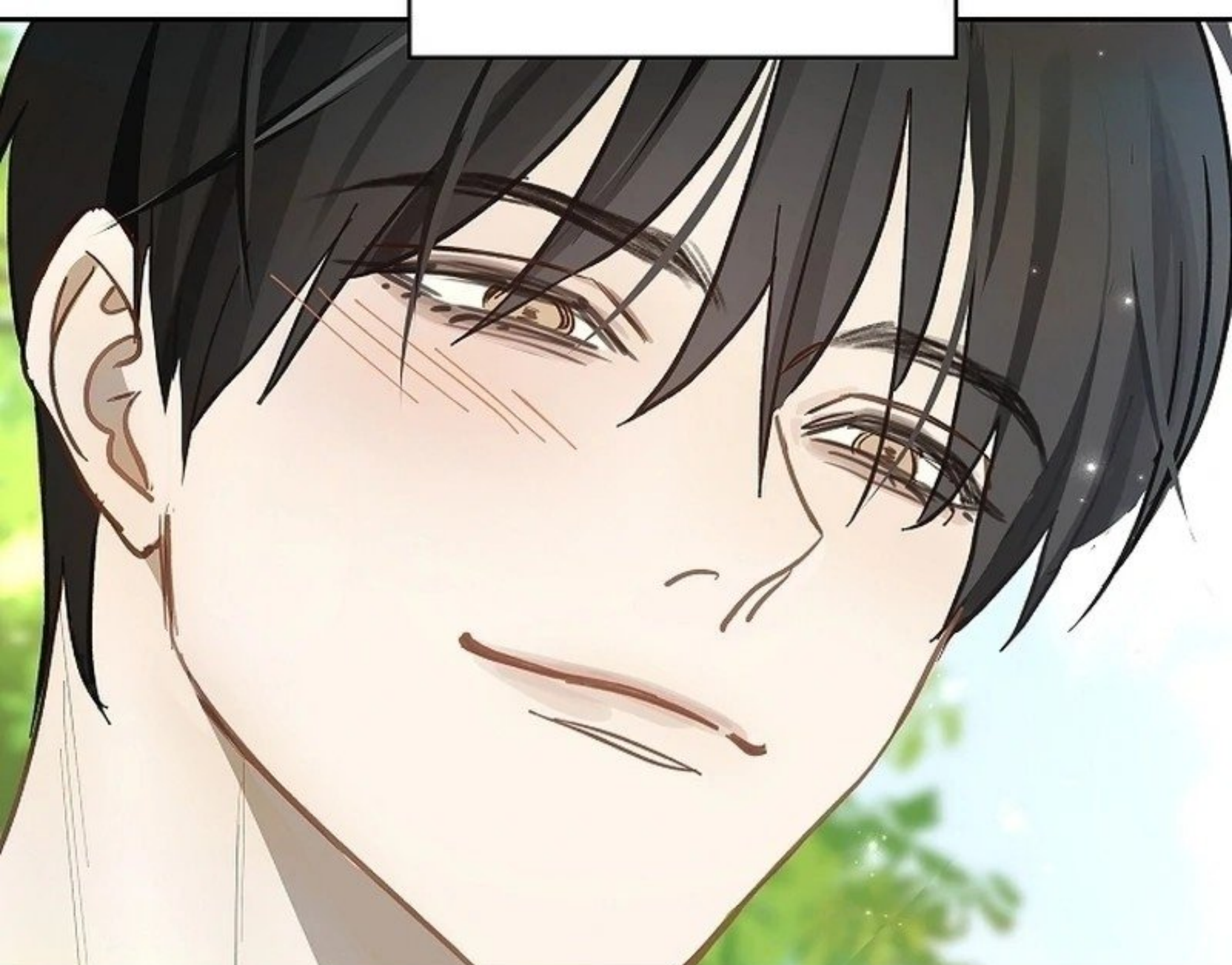
اگه بریم  
بیرون، هرکاری که  
تو بگی میکنم.

هر چیزی که  
تو ازم بخوای.

این دیگه چیه..

این..

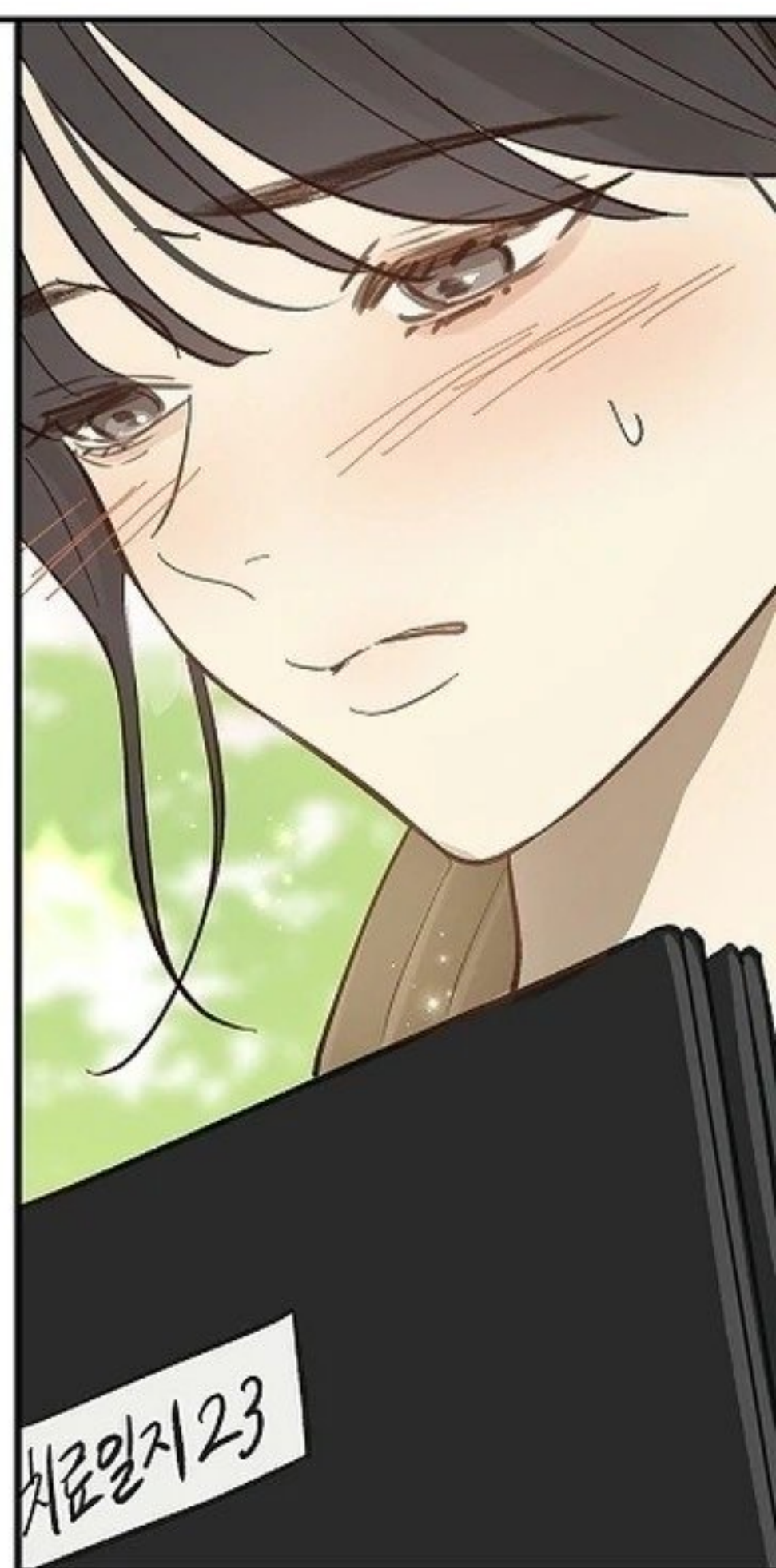
حرفش خیلی  
عجیبه.



انتظار همینم  
داشتم..



هر وقت که کوان چائه وو  
شروع به صحبت کردن میکنه،  
مردم اونقدر دستپاچه میشن،  
که در مقابلش دیگه حرفی از  
دهنشون بیرون نمیداد.



خیلی خوب حالا  
راه بیوفتین .

پس در آخر..



اولین پیرون رفتن من با کوان  
چائه وو شروع شد.

اونو بده  
من.

نه این به جور این  
مثل سلاحه...



سلام

این فایل که هم‌اکنون خوندید،  
توسط تیم بزرگ تلگرامی

*Aoi Seaki*

ترجمه و ادیت شده و برای شما  
و بقیه افرادی که به مانهوا  
خوندن علاقه دارن آماده  
شده.

تیم آئویی سکای فقط و  
فقط در تلگرام فعالیت میکند.

اگه این فایل توی رویکا، سروش،  
ایتا، اینستا و بقیه پیام‌رسان‌های داخلی و  
خارجی گذاشته شده و دارید میخونید،  
بدونید بدون اجازه‌ی تیم ما گذاشته شده  
و این کار دزدی محسوب میشود و به  
هیچ عنوان ما راضی نیستیم.  
فقط و فقط ما رو از طریق کانال تلگرامی  
زیر دنبال کنید و مارو حمایت کنید:



[HTTPS://T.ME/AOISEKAI](https://t.me/AOISEKAI)